

بررسی تقابل‌های دوگانه در آثار هوشنگ مرادی کرمانی و رولد دال

ندا نورپیشه قدیمی*

احمد طحان**

فرزانه مظفریان***

چکیده

تنها از راه تقابل است که روایت ایجاد می‌شود و از همین‌رو باید شخصیت‌ها و کنش‌های آنان را در تقابل‌های دوتایی بررسی کرد تا بتوان هدف از روایت را دریافت. ساختارهای دوگانه و تقابلی، اعم از تقابل‌های خیر و شر، نیک و بد و...، ساختارهای مفهومی هستند که در کل گفتمان ادبیات فارسی مشاهده می‌شود. یکی از این ساختارهای مفهومی دوگانه، تقابل زندگی فقیر و غنی است که در آثار هوشنگ مرادی کرمانی و رولد دال به‌عنوان بن‌مایه‌ای مشترک خود را به‌خوبی نشان می‌دهد و بیانگر این مسئله هستند که طبقه‌ی فقیر با دیدن وضع رفاه طبقه‌ی ثروتمند، برای رهایی خود از فقر و تهیدستی تلاش می‌کند، اما درنهایت چندان موفق به تغییر شرایط زندگی خود نمی‌شود. از دیگر ویژگی‌های مشترک این دو نویسنده، اعمال زور، خشونت و لحن توهین‌آمیز طبقه‌ی ثروتمند و مظلوم‌ماندن طبقه‌ی تهی‌دست جامعه است. بررسی تقابل‌ها و تحلیل رابطه‌ی آن‌ها در داستان‌های مرادی کرمانی و رولد دال نشان می‌دهد که پیامد مشترک فقر در ایران و جامعه‌ی انگلستان، کار اجباری کودکان و روبروشدن آن‌ها با واقعیت‌های زندگی است. پژوهش پیش‌رو بر آن است تا با استفاده از روش

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران،

neda.noorpishah@gmail.com (نویسنده‌ی مسئول)

** استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران، tahaanahmad@yahoo.com

*** استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران، فیروزآباد f_mozaffarian@yahoo.com

توصیفی‌تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع اسنادی کتابخانه‌ای، ساختارهای مفهومی تقابل‌های دوگانه را در سه اثر هوشنگ مرادی کرمانی (قصه‌های مجید، بچه‌های قالیباف‌خانه و شما که غریبه نیستید) و سه اثر رولد دال (چارلی و کارخانه‌ی شکلات‌سازی، آقای روباه شگفت‌انگیز و دنی؛ قهرمان جهان) استخراج کند و سپس به مقابله‌ی این آثار بپردازد.

واژه‌های کلیدی: تقابل دوگانه، ساختارگرایی، رولد دال، هوشنگ مرادی کرمانی.

۱. مقدمه

کودک و کودکی مفهومی است که مصداق‌های متعدد دارد و هر فرهنگ و جامعه به فراخور خود، آن را تعریف می‌کند؛ اما آنچه در همه‌ی جوامع و فرهنگ‌ها مصداقی یگانه دارد، جوهره‌ی کودکی است که می‌تواند در وجود انسان‌هایی با سنین مختلف دیده شود. می‌توان گفت «جوهره‌ی کودکی در وجود همه‌ی انسان‌ها وجود دارد؛ منتها این گوهر ناب، مورد غفلت بزرگسالان قرار گرفته و غبار فراموشی بر آن نشسته است» (حجوانی، ۱۳۷۸: ۳-۴).

«از آنجا که کودک، به‌طور طبیعی، قدرت طرح پرسش‌های فلسفی و خوانش ویژه‌ی خود را دارد، یاسپرس معتقد است که فلسفه‌ی درونی را در میان کودکان می‌توان یافت» (جمادی، ۱۳۸۹: ۱۰۴). باتوجه‌به همین نکته می‌توان گفت آثاری که برای کودکان و نوجوانان نوشته می‌شوند، دربردارنده‌ی نکته‌های فلسفی از دیدگاه کودکان هستند و با بررسی آن‌ها می‌توان این اندیشه‌های فلسفی را که در قالب ساختارهای مفهومی دوگانه خود را نشان می‌دهند، واکاوی کرد.

برای بررسی و واکاوی این ساختارهای مفهومی ناگزیریم از مکتب ساختارگرایی بهره بگیریم. اساس مکتب ساختارگرایی بر پایه‌ی تقابل‌های دوگانه و مبتنی بر تحلیل آن‌ها است. در ادبیات کودک و آثار کودک و نوجوان نیز تقابل‌های دوگانه دیده می‌شود؛ مانند تقابل خیر و شر، دنیای کودکی و بزرگسالی و فقر و ثروت که جایگاه ویژه‌ای در ادبیات کودک دارد. پژوهندگان برآنند که ساختارهای مفهومی تقابل‌های

دوگانه را در سه اثر از هوشنگ مرادی کرمانی (قصه‌های مجید، بچه‌های قالیباف‌خانه و شما که غریبه نیستید) و سه اثر رولد دال (چارلی و کارخانه‌ی شکلات‌سازی، آقای روباه شگفت‌انگیز و دنی؛ قهرمان جهان) استخراج کنند و سپس به مقابله و تحلیل آثار از این منظر پردازند. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی انجام شده و داده‌کاوی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. نویسندگان در این پژوهش می‌کوشند که به این پرسش‌ها پاسخ دهند: آیا این تقابل‌ها از نظر ساختاری به بافت فرهنگی نویسندگان آثار وابسته است یا اینکه ماهیتی جهان‌شمول دارد؟ آیا اشتراکاتی در به‌کارگیری این تقابل‌های دوگانه در آثار هر دو نویسنده مشاهده می‌شود؟ آیا می‌توان رابطه‌ی معناداری بین تقابل‌های معنایی به‌کاررفته در آثار هر دو نویسنده یافت؟

۲. پیشینه‌ی پژوهش

روش بررسی تقابل‌های دوگانه و به‌کارگیری رویکرد شالوده‌شکنانه برای خوانش متون در ادبیات فارسی بی‌سابقه نیست و در مقالات متعدد به آن پرداخته شده است: عبیدی‌نیا و دلایی‌میلان (۱۳۸۸) با عنوان مقاله‌ی «بررسی تقابل‌های دوگانه در ساختار حدیقه‌ی سنایی» به بررسی تقابل‌های دوگانه در اشعار حدیقه‌ی سنایی پرداخته‌اند. حیاتی (۱۳۸۸) در مقاله‌ی «بررسی نشانه‌شناختی عناصر متقابل در تصویرپردازی اشعار مولانا» پیرامون عناصر متقابلی به بحث و بررسی می‌پردازد. پویان و صفی‌جهانشاهی (۱۳۹۲) در پژوهش خود به آسیب‌شناسی کار کودکان در آثار مرادی کرمانی پرداخته و دردها و نابسامانی‌های اجتماعی آنان را بررسی کرده‌اند. آقاپور (۱۳۹۶) در رساله‌ی دکتری خود تقابل در *رمان نوجوان ایران* (بررسی پنج رمان برگزیده) به بررسی دو تقابل بنیادین ادبیات نوجوان، یعنی تقابل نوجوان/ بزرگسال و آموزش/ لذت و شیوه‌های القای ایدئولوژی، در رمان‌های نوجوان ایرانی می‌پردازد.

نگارندگان در پژوهش حاضر به بررسی تقابل‌های دوگانه در آثار هوشنگ مرادی کرمانی و رولد دال پرداخته‌اند که در هیچ‌یک از پژوهش‌های گذشته پیرامون قیاس

تقابل‌های دوگانه‌ی آثار این دو نویسنده بحث نشده و از جنبه‌ای نوین به این مسئله نگریسته شده است.

۳. چهارچوب مفهومی

اصطلاح تقابل‌های دوگانه از اصطلاح انگلیسی (binary opposition) گرفته شده است. binary در زبان انگلیسی «نشانه‌ی دوگانه‌بودن است و به ستارگانی که در کنار یکدیگر قرار دارند، binary star گفته می‌شود» (Guddon, 1999: 82). البته درک تقابل‌های دوگانه در جایگاه مبنا و پایه‌ی معرفت‌زبانی، بسیار قبل‌تر در آراء افلاطون و ارسطو نیز مطرح شده بود. «بحث جوهر و عرض، صورت و هیولا، لفظ و معنا و... در اندیشه‌های ارسطو، پایه‌گذار نوعی نگرش ثنوی در معرفت‌بشری بود که بعدها بر ادبیات و جز این‌ها نیز تأثیر گذاشت» (امامی، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۶). نخستین بار «نیکلای تروبتسکوی» واج‌شناس (۱۸۹۰-۱۹۳۸) از این اصطلاح نام برد (رک. احمدی، ۱۳۷۰: ۳۹۸) و آن را بنیان اصلی ارزشی مراتبی معرفی کرد که ریشه در تاریخ فرهنگی دارد. این اصطلاح، یکی از مفاهیم کلیدی در حیطه‌ی نظریات زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و نقد ادبی به حساب می‌آید. رولان بارت (۱۹۱۵-۱۹۸۰) بر این باور است که اساس نشانه‌شناسی بر پایه‌ی تقابل‌های دوگانه استوار است. در نقد ادبی این اصطلاح یکی از مفاهیم بنیادین ساختارگرایی و پساساختارگرایی (ساختارشنکی) است. رومن یاکوبسن (۱۸۹۵-۱۹۸۳) با تأثیرپذیری از نظریات تروبتسکوی و سوسور تقابل‌های دوگانه را در ذات زبان نهفته می‌دانست و معتقد بود که کودک در وهله‌ی نخست این تقابل‌ها را یاد می‌گیرد. به نظر وی محوریت کلام بر تقابل‌های دوگانه استوار است و تقابل صامت و مصوت، بنیادی‌ترین رکن واج‌شناسی محسوب می‌گردد. یاکوبسن در نظریه‌ی زبان شعری خود از این اندیشه کمک جست و تقابل مجاز (محور همنشینی) و استعاره (محور جانشینی) را عامل اصلی در زبان شعر معرفی کرد. وی در تعریفی که از شعر ارائه می‌دهد، می‌گوید «شعر انتقال زبان از محور استعاری یا جانشینی به محور مجاز مرسل یا همنشینی است» (اسکولز، ۱۳۸۳: ۵۱). اساس مکتب ساختارگرایی بر پایه‌ی

تقابل‌های دوگانه و مبتنی بر تحلیل آن‌ها است. اصل تقابل ریشه در دیدگاه لوی استراوس دارد. او معتقد است «واحد‌های درون یک نظام به صورت جفت کنار هم قرار می‌گیرند و متشکل از وضعیتی هستند که با یکدیگر نوعی رابطه دارند. تقابل‌هایی چون: غنی / فقیر، عقل / عشق، خیر / شر، روشن / تاریک، راست / چپ، مرد / زن، سفید / سیاه، بالا / پایین. هر متن در واقع مجموعه‌ای از تقابل‌ها است که ساختار را دربرمی‌گیرد. «در اغلب موارد، تقابل‌ها نامرئی و ضمنی‌اند یا فقط یکی از ارکان تقابل دوگانه آشکارا ذکر شده؛ اما برای خواننده‌ی آشنا ذکر صریح یک رکن، یادآور رکن غایب است» (برتسن، ۱۳۸۴: ۱۶۸). از دید ساختارگرایان رابطه‌های تقابلی تثبیت‌شده‌ای وجود دارد که معنا را به وجود می‌آورند (شعیری و وفایی، ۱۳۸۸: ۳۹). مربع معناشناسی گریماس نیز بر اساس همین دیدگاه شکل می‌گیرد؛ زیرا او «متأثر از لوی استروس معتقد است که ساختار طرح قصه متشکل از تقابل‌های دوگانه است... و کوچک‌ترین واحد معنایی قصه‌ها از نقیضه‌ها و متضادها تشکیل می‌شود» (اخوت، ۱۳۷۱: ۶۴). گریماس در این مسیر به بررسی ژرف‌ساخت متن می‌پردازد و «در پی آن است که روایت‌ها را از یک سطح زیرین تفکر تقابلی استخراج کند» (هارلند، ۱۳۸۶: ۲۸۱)؛ زیرا «داده‌های ما در ژرف‌ساخت، داده‌های انتزاعی‌اند» (بابک‌معین، ۱۳۸۳: ۱۸۱).

۴. تحلیل داده‌های پژوهش

منظور از ساختارهای مفهومی در این پژوهش ساختارهای دوگانه و تقابلی اعم از تقابل‌های خیر و شر، بد و نیک و غیره است که در کل گفتمان ادبیات فارسی مشاهده می‌شود.

۱.۴. تقابل‌های دوگانه در قصه‌های مجید

یکی از آثار مهم و طنزآمیز هوشنگ مرادی کرمانی، قصه‌های مجید است؛ این اثر «مجموعه‌داستان‌های به‌ظاهر جداگانه‌ای است که به‌ویژه، میان نخستین و آخرین آن‌ها پیوند معنی‌داری دیده می‌شود که توجه خواننده را از طنز داستانی و حوادث زندگی

یک پسر بچه‌ی نیمه‌روستایی، به ابعاد گسترده‌تری سوق می‌دهد که یکی از آن‌ها اشاره به زندگی خود نویسنده و تلاقی شخصیت او با «مجید» است. به سخن دیگر، خاطرات «مجید و نویسنده» درهم تنیده شده است» (سلاجقه، ۱۳۸۰: ۱۹۳).

مجید قهرمان مثبت‌اندیش و فقیر داستان در تقابل با بچه‌های ثروتمند مدرسه قرار می‌گیرد. او با دروغ‌گفتن سعی در آن دارد که خود را ثروتمند نشان دهد و از این طریق حس کمبود خود ناشی از فقر را جبران کند؛ اما در این راه چندان موفق نیست، زیرا بچه‌های ثروتمند مدرسه، لباس نو می‌پوشند، در حالی که لباس‌های مجید معمولاً دست دوم و کهنه هستند. راهکار مجید مقابله با فقر و زدودن آن، رفتن به سر کار در تابستان‌ها است ولی اوبه واسطه‌ی اندام ریزش، همچون دیگر کودکان توان کار ندارد؛ ولی از روی اجبار برای پول‌درآوردن، مشغول کار می‌شود و سرانجام چون راهی برای بهتر کردن وضعیت خود و بی‌بی ندارد، تلاش می‌کند تا در مدرسه از نظر درسی پیشرفت داشته باشد و از این راه حس برتری‌طلبی خود را ارضا کند. بنابراین تقابل اصلی این داستان، تقابل غنی و فقیر است؛ اما خرده‌تقابل‌ها نیز بسیارند و تقابل اصلی داستان را تقویت می‌کنند. یکی از این خرده‌تقابل‌ها که می‌توان گفت نشأت گرفته از فقر و تنگدستی است، اعتقاد داشتن به خرافات است. در بخش‌هایی از داستان تقابل خرافه‌پرستی و واقعیت دیده می‌شود. مجید به طبل‌زدن علاقه دارد؛ اما بی‌بی توان خرید طبل را ندارد. در مقابل، همسایه‌ی آن‌ها طبل دارد و مجید روزی پنهانی به خانه‌ی همسایه می‌رود و شروع به طبل‌نوازی می‌کند. زن همسایه می‌پندارد جنیان هستند. وی که به شدت فقیر و خرافاتی است، در مقابل بی‌بی قرار می‌گیرد. او به صدای مجید گوش نمی‌دهد و همه را برای کمک فرامی‌خواند. بقال سرکوپچه تنها کسی است که با ترس در را به روی مجید باز می‌کند (رک. مرادی کرمانی، ۱۳۹۶: ۴۹). این وضعیت در دل خود تقابل دیگری دارد؛ تقابل ذهن خرافه‌زده‌ی بزرگسال و ذهن واقع‌گرای کودک. دیگر دوگانگی‌های به‌کاررفته در داستان در جدول زیر مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۱: تقابل‌های دوگانه‌ی اقتصادی و فرهنگی

کودکان ثروتمند مدرسه	مجید
لباس‌های فاخر ثروتمند	لباس‌های کهنه مجید
جسارت کودکان ثروتمند و بی‌ادبی آن‌ها	مظلومیت مجید و مؤدب‌بودن او
درس‌نخواندن کودکان ثروتمند	درس‌خوان‌بودن کودک فقیر
تفریح کودکان ثروتمند	کار اجباری کودک فقیر
ثروت عامل برتری کودکان متمول	علم عامل برتری کودک فقیر
نگه‌داری از حیوانات خانگی (pet) سگ و گربه سرگرمی	نگه‌داری از مرغ و خروس برای منافع مالی توسط کودک فقیر
داشتن پدر و مادر ثروتمند	نداشتن پدر و مادر
پرورش استعداد‌های هنری کودکان ثروتمند	سرکوب استعداد‌های هنری کودک فقیر
علاوه‌بر داشتن امکانات بهداشتی نظیر حمام، امکان برگزاری جشن و مهمانی برای کودکان ثروتمند	کمبود امکانات بهداشتی نظیر حمام برای کودک فقیر
پرداخت تمامی مخارج توسط والدین ثروتمند کودکان متمول	نداشتن پول کافی برای هزینه‌های ضروری مثل اصلاح مو و صورت
همیشه در سفر بودن کودکان ثروتمند	آرزوی داشتن پول کافی برای مسافرت کودک فقیر
استفاده‌ی روزانه‌ی کودکان ثروتمند از فناوری‌های نوین	آشنایی‌نبودن کودک فقیر با فناوری‌های نوین
کامیابی کودکان ثروتمند در رسیدن به هر خواسته‌ای	ناکامی کودک فقیر در رسیدن به خواسته‌های ساده
به‌رخ‌کشیدن داشتن اسباب بازی به‌وسیله‌ی کودکان ثروتمند	حسرت‌خوردن کودک فقیر برای داشتن اسباب بازی چون توپ

با بررسی تقابل‌های دوگانه‌ی به‌کاررفته در *قصه‌های مجید* می‌توان گفت که تقابل‌های دوگانه شصت‌درصد بافت متن را شامل می‌شود. کارکرد اصلی تقابل‌های دوگانه‌ی ذکرشده، بازنمایی تفاوت جهان‌بینی و دنیای قهرمان داستان با دیگری و دیگران است. تقابل‌های این داستان را در مؤلفه‌هایی چون اقتصاد و فرهنگ می‌توان مشاهده کرد. اما تقابل‌هایی که حاصل اختلاف طبقاتی و رویارویی رعیت و فئودال هستند، از سهم بسیار بالاتری برخوردارند و تعداد نمونه‌هایی که به اختلاف فرهنگ می‌پردازد، همچون اعتقاد به جنیان و... بسیار اندک است.

۲.۴. تقابل‌های دوگانه در *بچه‌های قالیباف‌خانه*

بچه‌های قالیباف‌خانه‌ی هوشنگ مرادی کرمانی از حیث تنوع مؤلفه‌های سیاق سخن (یعنی ارتباط پارامترهای بافت موقعیتی با پارامترهای متنی) و نیز از نظر غنای عناصر فرهنگی مربوط به محیط روستایی و سنتی ایرانی و هم‌چنین کاربرد عناصر برخاسته از

هنجارهای مذهبی و عرفی، نمایانگر جامعه‌ی پیش از تجدد ایران است. به‌طور نسبی ویژگی‌های بافتی، بومی و فرهنگی در بچه‌های قالیباف‌خانه و به‌طور مشخص در داستان «رضو، اسدو، خجیجه» خود را به‌خوبی نشان می‌دهند (رک. معین‌درباری و همکاران، ۱۳۹۵: ۳-۵). بچه‌های قالیباف‌خانه مجموعه‌ی دو داستان است که از جهات زیادی به هم شباهت دارند. بیشتر شخصیت‌های اثر، کودکان هستند؛ کودکانی که به‌دلیل فقر خانواده به کار در محیط تنگ، تاریک و نم‌دار کارگاه قالی مجبور می‌شوند.

داستان اول، «نمکو» حکایت یداله فقیر و زجرکشیده است که زیر ظلم و ستم ارباب قامت خم کرده و مشکلات بسیاری دارند و مجبورند در ازای خسارتی که به صاحب‌اللاغ وارد کرده‌اند، نمکو، پسر کوچک خود را بفروشند تا قضیه فیصله یابد. مرادی‌کرمانی در ابتدای داستان به ترسیم فضای یک خانواده‌ی معمولی می‌پردازد؛ خانواده‌ای که در کنار فرزند دوست‌داشتنی خود زندگی آرامی دارند، برای همین وقتی از یداله می‌خواهند که فرزند هشت‌ساله‌اش را به قالیباف‌خانه بفرستد، از ترس سرانجام و آینده‌ی فرزندش در قالیباف‌خانه، از این کار سرباز می‌زند. «من بچمه پشت کار قالیبافی نمی‌فرستم. حواست جمع باشه! می‌خوام نمکو رو بفرستم ملا... پول یه خر؟ بچمه بدم، پول یه خر بستونم؟ خجالت بکش...» (مرادی‌کرمانی، ۱۳۹۶: ۳۸-۳۹). یداله مانند بیشتر پدران روزگار خود در تنگنای فقر و ارزش‌های منفی حاکم بر جامعه گرفتار است. او به اجبار و علی‌رغم میل باطنی خود، کودک را از خود دور می‌کند و مادر نیز به‌ناچار در برابر تقدیر تسلیم می‌شود. «لیلو بی صدا گریه می‌کرد. نفرین می‌کرد و حرف می‌زد: من حاضرم هر شب سر بی‌شوم زمین بگذارم، اما بچمه از خودم دور نکنم» (همان، ۴۱).

در پایان داستان، تصویری بسیار حزن‌انگیز از زندگی کودکان در قالیباف‌خانه را می‌خوانیم: «کودکانی که آرزوی خوابیدن بر روی تشک نرم را داشتند، این کودکان با نور و گرمای آفتاب بیگانه بودند. تنها تاریکی، نمناکی و محیط تنگ بود و پرزهای قالی که نتیجه‌ای جز بیماری‌های مختلف ندارد. بسیاری از این کودکان که تحمل این اوضاع را نداشتند، فرار را ترجیح می‌دادند. اما معلوم نبود چه سرنوشتی در انتظارشان است.

«بچه‌ها تخس و ترس و سختی کشیده بودند. اگر آزادشان می‌گذاشتند در می‌رفتند» (همان، ۶۵). در این داستان، نمکو و پدرش قهرمانان فقیر داستان هستند و در تقابل با آن‌ها اربابی ثروتمند است. یدالله، پدر نمکو که مردی فقیر است با خرش ناخواسته موجب زیان‌رساندن به باغ‌های ارباب می‌شود. به تلافی این اتفاق، مأمور نیز خر یدالله را به آتش می‌کشد. کنش آسیب‌زننده‌ی فقیر به غنی در این داستان ناخودآگاه، اما کنش غنی به فقیر آگاهانه است. یدالله به دنبال چاره‌جویی است تا به پیشنهاد ماش شیطونو پسرش، نمکو را در قالبیافی به کار وامی‌دارد. در اینجا نمکو با کار اجباری روبه‌رو می‌شود و تنها فکر و راه نجاتی که برای مقابله با ظلم به ذهنش می‌رسد، فرار است. او با صفرو به غار می‌گریزد. غار آتش می‌گیرد و صفرو که عامل تحریک نمکو و فرار او از قالبیاف‌خانه است، می‌میرد. نمکو با کولی‌ها به ده برمی‌گردد و وضعیت ثابت اولیه برقرار می‌شود. در این داستان مشکل فقر حل نمی‌شود و تقابل‌ها در همان وضعیت اولیه رها می‌شوند.

در داستان دوم از بچه‌های قالبیاف‌خانه، زندگی کارگران قالبیاف‌خانه، کودکان و زنان و مردان به تصویر کشیده می‌شود. اسدو، نقشه‌خوان کارگاه، به دلیل حمایت از کارگر کودکی به نام رضو، با کارفرما درگیر می‌شود. این درگیری سبب بیکاری او و همسرش خجیجه می‌شود. خجیجه حامله است. اگرچه اسدو، کارگر ماهری است، اما قالبیاف‌خانه‌های دیگر از ترس اوستا، به او کار نمی‌دهند. در این کارگاه‌ها، کودک‌بودن، ندانستن، اشتباه‌کردن معنی ندارد. در قبال مزد اندکی که پرداخت می‌شود، کار تمام‌وقت از کودکان انتظار می‌رود. اما رضو کودکی بازیگوش و بی‌خیال است و برای رسیدن به خواسته‌هایش، دست به هر کاری می‌زند، به‌خاطر چیدن دانه‌های انار، توانی بسیار دردناک را می‌پذیرد. «شلاق سر زنجیری ران‌ها و کفلش را قاچ‌قاچ کرده بود. خون از شکاف‌ها بیرون می‌زد» (همان، ۹۰-۹۱).

در پایان، به عاقبت کار قالبیافی و درد و بدبختی که دامن‌گیر قالبیافان می‌شد، اشاره می‌شود. اسدو به دلیل طرفداری از کودکان از کار برکنار شده است و در هیچ جای دیگری نمی‌تواند مشغول به کار شود. اسدو و خجیجه در فقر و ناداری، چشم‌انتظار

تولد کودکان هستند. اسدو آرزوهای خود را برای کودک متولد نشده می‌گوید: «آگه سرمه ببرن، نمی‌دم بچم بره پشت کار قالی. همون ما رفتیم برای هفت پشتمون بسه» (همان، ۱۰۶).

در این داستان می‌توان به نمونه‌هایی اشاره کرد که بیانگر عزیزبودن فرزند برای خانواده است. نمونه‌هایی از قبیل: بیان آداب انتظار تولد کودک (مراسم «رخت‌برون» بچه)، باور دست‌یافتن به آینده‌ای بهتر برای فرزند با سوزاندن زاغ و خواندن فال از روی آن (اسدو یک گوسفند نذر ابوالفضل کرده تا کودکش سالم به دنیا بیاید) یا تصمیم‌گیری مادر برای آینده‌ی فرزند. «اگر بچه دختر شد، نبادا یه وقت طمع پول ور سرت بزنه، بفرستیش پشت کار قالی» (همان، ۱۰۶) اما فقر، تنگدستی و شرایط جامعه، سرنوشت دیگری را برای آنان رقم می‌زند (رک. خردخورد، ۱۳۹۵: ۹-۱۰).

جدول شماره‌ی ۲: تقابل‌های دوگانه‌ی رعیت و اربابی

همسایه‌های ثروتمند	نمکو، کودک کار و یدالله فقیر
آتش‌زدن بار یدالله و... به‌طور آگاهانه توسط مأموران	نابودی گیاهان باغ‌های ارباب به‌طور ناخواسته
قدرت ثروتمندان برای واداشتن به کار اجباری	اجبار نمکو به کار در قالیبافی
لحن توهین‌آمیز و با خشونت ثروتمندان	لحن مظلوم یدالله
سکوت یدالله و دیگر مردم فقیر و تقدیرگرایی بزرگسالان	فرار نمکو و تلاش او برای مقابله با سرنوشت
غرور و خودپرستی ثروتمندان	حقارت فقیران
خر وسیله‌ی نقلیه و بارکشی برای ثروتمندان	خر به‌عنوان تنها ابزار معیشت فقیران
اعتقاد ضعیف ثروتمندان به خدا	اعتقاد راسخ فقیران به خدا
ثروتمندان ظالم	فقیران مظلوم
گستاخی ثروتمندان در مواجهه با مظلوم	اعتمادبه‌نفس پایین فقیران در مواجهه با ظالم
همراهی قانون و امنیت با ثروتمندان	نبودن جایگاهی نزد قانون و امنیت برای فقیران

با بررسی تقابل‌های دوگانه‌ی رعیت و اربابی به‌کاررفته در بچه‌های قالیباف‌خانه می‌توان دریافت که تقابل‌های دوگانه هفتاددرصد بافت متن را شامل می‌شود. کارکرد اصلی این تقابل‌ها، نمایاندن جهان پُرمشقت کودکان کار در برابر جهان آرام و آسوده‌دلی افراد متمول است. تأثیرپذیری دیگر وجوه زندگی افراد از شرایط اقتصادی حاکم بر زندگی آن‌ها از دیگر مصادیقی است که مخاطب از متن درمی‌یابد. این تأثیرپذیری به خلق دوگانگی‌هایی در ابعاد دیگر زندگی افراد همچون فرهنگ، اعتقادات

مذهبی، میزان احساسات به خانواده و... نیز می‌انجامد. درخور توجه است که رفتار و تعاملات افراد جامعه نیز با این دو طبقه یکسان نیست و یک واکنش دوگانه را دربردارد؛ به این صورت که قانون و امنیت، همه‌ی افراد را یکسان نمی‌بیند.

۳.۴. تقابل‌های دوگانه در شما که غریبه نیستید

رمان شما که غریبه نیستید، خاطرات نویسنده است که در کودکی او را هوشو صدا می‌زدند. آغاز خاطرات او از زمانی است که هنوز به مدرسه نمی‌رود. هوشو در روستای سیرچ از توابع کرمان با پدربزرگش، آغ‌بابا و مادربزرگش، ننه‌بابا زندگی می‌کند. مادرش پس از به‌دنیا آوردن او می‌میرد و پدرش در سیستان و بلوچستان در مقام ژاندارم خدمت می‌کند. او پدر را ندیده و تنها اوصافش را از اطرافیان شنیده است. هوشو قهرمان فقیر این داستان است و آغ‌بابا و ننه‌بابا، پدر و مادر بزرگ او، در تقابل با خانم و آقای زندریشی قرار دارند که ثروتمند هستند؛ اما بچه ندارند. بچه‌داشتن فقرا با بی‌فرزندگی ثروتمندان در تقابل قرار می‌گیرد. برخلاف ثروتمندان که بسیار خسیس و ناخن‌خشک هستند، هوشو شخصیتی دست‌ودلباز دارد و از مصرف‌کردن داشته‌های محدود و ناچیز خود برای دیگران ابایی ندارد. هوشو برای مبارزه با فقر، راه درس خواندن را پیش می‌گیرد؛ زیرا اختلاف طبقاتی آشکار و فقر خود و خانواده‌اش را در مقابل ثروتمندان می‌بیند و رنج می‌کشد. درحالی‌که هوشو لباسی برای پوشیدن ندارد، ثروتمندان در ناز و نعمت زندگی می‌کنند، کت‌وشلوار گران‌قیمت بر تن می‌کنند و چیزهایی همچون عطر و ادکلن و کتابخانه و... دارند که هوشو از داشتن‌شان محروم است. در این داستان رد پای خرافات نیز آشکار است. سکینه می‌خواهد نان بپزد؛ اما اعتقاد دارد که پسر بچه نباید سر تنور بیاید، زیرا نان خراب می‌شود؛ اما هوشو این را باور ندارد و از دور تنور کنار نمی‌رود. در جایی دیگر ننه‌بابا برای شخص مریضی تخم مرغ می‌شکند درحالی‌که هوشو معتقد است مریض باید دکتر برود (رک. مرادی کرمانی، ۱۳۹۴: ۶۰). در اینجا نیز تقابل آشکار واقع‌نگری کودک با خرافه‌پرستی بزرگسالان نمایان است. در هیچ‌یک از داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی، بزرگسالان اعتراضی به فقر خود ندارند و هیچ

تلاشی هم برای برطرف کردن آن نمی‌کنند؛ اما کودکان می‌کوشند تا به هر وسیله خود را از منجلاب فقر نجات دهند و این بیانگر خرافه‌پرستی و تقدیرگرایی بزرگسالان طبقه‌ی فقیر جامعه در مقابل واقع‌نگری و عقل‌گرایی کودکان است.

با بررسی تقابل‌های دوگانه‌ی به‌کاررفته در شما که غریبه نیستید می‌توان گفت که تقابل‌های دوگانه پنجاه درصد بافت متن را دربرمی‌گیرد. این تقابل‌ها در ابعاد گوناگون اقتصادی و فرهنگی نمایان شده است. آنچه مخاطب درمی‌یابد تأثیر شرایط اقتصادی بر امکانات فرهنگی همچون نداشتن کتابخانه و محرومیت از ادامه‌ی تحصیل است. اما از سویی دیگر این تناقض نیز احساس می‌شود که نماینده‌ی قشر فقیر جامعه برخلاف مرفهان، به مؤلفه‌های اخلاقی و عاطفی همچون پرهیز از خساست و به‌جای آوردن صله‌ی رحم را بیش از دیگران توجه می‌کند و برای آن ارزش و احترام قایل است؛ درحالی‌که قشر مرفه کوچک‌ترین توجهی به این مسایل ندارد. افزون‌بر مواجهه‌ی دو قشر فقیر و ثروتمند با تمام تفاوت‌هایشان، رویارویی کودکان و بزرگسالان نیز در این داستان، تقابل‌هایی را آفریده است؛ چنانچه واقع‌گرایی و عقل‌گرایی کودک را در برابر تقدیرگرایی و خرافه‌پرستی بزرگسالان مشاهده می‌کنیم. در این داستان‌ها کودک، یا پدر و مادر ندارد یا اگر دارد فقیر هستند. در داستان‌های مرادی کرمانی ثروتمندان، همسایه و همکلاسی هستند. این نکته شایان توجه است که طبقه‌ی فقیر درصدد آسیب‌زدن به طبقه‌ی ثروتمند نیست و اگر آسیب می‌زند، ناخودآگاه و ناخواسته است و تنها دستاویز آن‌ها برای در امان ماندن از فقر، درس خواندن است تا بتوانند جایگاه اجتماعی بهتری را به دست آورده و حق خود را پس بگیرند یا با فرارکردن از محیط کاری که برای آن‌ها چون شکنجه‌گاه است، خود را نجات دهند. در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی کودکان به‌خاطر فقر مجبور به کار اجباری هستند؛ اما کودکان ثروتمند آزادند. از دید راوی قصه‌های مرادی کرمانی دنیای ثروتمندان دوست‌داشتنی است و افراد فقیر سعی دارند با تلاش و کوشش و تحمل سختی‌ها، گوشه‌ای هرچند ناچیز از این ثروت را از آن خود کنند تا بلکه کمی طعم لذت و خوشبختی را بچشند، اما آنچه حاصل می‌شود، سختی و فقر بیشتر است. از این‌رو است که کودکان پس از تلاشی نافرجام، تنها راه

رستگاری را در سواد و درس خواند می‌بیند به امید روزی که بتواند با بهره‌گیری از دانش، خود و خانواده را از چنگال بی‌رحم مرگ نجات دهند. اما این وضعیت و تلاش برای زندگی بهتر و فرار از تنگدستی در رفتارهای بزرگسالان کمتر به چشم می‌خورد، آن‌ها وضعیت اسفناک زندگی خود را پذیرفته‌اند، برای بهبود زندگی خود تلاش چندانی نمی‌کنند و منفعل‌وار، مطیع ظلم ستمگران شده‌اند؛ درحالی‌که کودکان این تنگدستی را نمی‌پذیرند و برای تغییر آن یکی از سه راه اعتراض، فرار و درس خواندن را انتخاب می‌کنند. کارکرد اصلی استفاده از تقابل‌های دوگانه‌ی ذکرشده‌ی بالا، نشان دادن میزان و مقدار تفاوت‌های دو دنیای کودک فقیر و افراد غنی است.

جدول شماره‌ی ۳: تقابل‌های دوگانه‌ی اقتصادی و فرهنگی

آقا و خانم زندریشی (همسایه ثروتمند) بی‌فرزندی خانواده‌ی ثروتمند خرافه‌پرستی بزرگسالان فقیر و تقدیرگرایی علاوه‌بر داشتن شناسنامه، برگزاری جشن تولد برای کودکان ثروتمند کت و شلوار پوشیدن ثروتمندان داشتن خانه‌ای با اتاق‌های متعدد داشتن کتابخانه و تفنگ و عطر داشتن کفش‌های نو و براق ناخن‌خسکی و خساست ثروتمندان رسیدن به بالاترین مدارج عالی تحصیلی داشتن تمامی ابزار تفریح و سرگرمی	آغبابا و ننه‌بابا فرزندداشتن خانواده‌ی فقیر واقع‌گرایی کودک و تلاش برای عوض کردن سرنوشت نگرفتن شناسنامه برای کودک فقیر نبودن لباس مناسب برای فقیران نداشتن سرپناه نداشتن سواد نداشتن کفش و پاپوش دست‌ودلبازی بچه‌ی فقیر امکان‌نداشتن ادامه‌ی تحصیلات عالی برای فقیران نداشتن ابزار تفریح و سرگرمی
---	---

با بررسی تقابل‌های دوگانه‌ی فقیر و ثروتمند به‌کاررفته در شما که غریبه نیستید می‌توان دریافت که تقابل‌های دوگانه هشتاددرصد بافت متن را شامل می‌شود. کارکرد اصلی این تقابل‌ها، نمایاندن جهان پُرمشقت کودکان فقیر در برابر جهان آرام و آسوده‌دلی افراد متمول است. اقتصاد و نیازهای معیشتی تاروپود زندگی افراد فقیر را بیش‌از پیش سست و متزلزل می‌کند و باعث می‌شود تا کودک فقیر این شرایط را برنتابد و برای تغییر اوضاع زندگی خود دست به تلاش هرچند نافرجام بزند.

۴.۴. تقابل‌های دوگانه در چارلی و کارخانه‌ی شکلات‌سازی

چارلی و کارخانه‌ی شکلات‌سازی، داستان پسری است به نام چارلی که همراه دو پدربزرگ و دو مادربزرگ و پدر و مادرش در خانه‌ای چوبی و کوچک که به‌سختی گنجایش هفت نفر آن‌ها را دارد، زندگی می‌کند. پدرش کارگر کارخانه‌ی خمیردندان‌سازی است و با حقوق ناچیز خود به‌سختی می‌تواند سه وعده غذای کامل برای خانواده‌اش تهیه کند و در بیشتر مواقع گرسنه هستند. روبه‌روی خانه‌ی آن‌ها کارخانه‌ی بزرگ و شگفت‌انگیز شکلات‌سازی آقای وانکا است که چارلی همیشه حسرت خوردن شکلات‌هایش را دارد. کل این داستان، تقابل فقیر و غنی را به تصویر می‌کشد؛ چارلی در تقابل با کودکان ثروتمند، خانه‌ی کوچک و مخروبه‌ی خانواده‌ی چارلی در تقابل با کارخانه‌ی شکلات‌سازی و دیگر خانه‌ها، پدر کارگر او و آقای وانکا صاحب کارخانه و غیره. در این گزاره نماد ثروت، کارخانه‌ای است که باعث تخریب می‌شود (شکلات باعث خرابی دندان‌ها می‌شود)، در مقابل فقیر نماد سازندگی (خمیردندان‌سازی) است. تا به حال کسی نتوانسته وارد کارخانه شود و چارلی آرزوی رفتن به کارخانه را در سر می‌پراند تا اینکه برنده‌ی بلیط طلایی برای بازدید از کارخانه می‌شوان می‌دهد. تقابل‌های داستان پس از ورود به کارخانه و دیدن تجهیزات و همراهی با کودکان ثروتمند و خودخواه، بیش‌ازپیش خود را نشفضای خانه‌ای که چارلی و خانواده‌اش در آن زندگی می‌کنند، بسیار کوچک و تا حدی مخروبه است، درحالی‌که کارخانه‌ی آقای وانکا به‌قدری بزرگ است که ناچار شده بخش‌های وسیعی از آن را در زیر زمین بنا کند تا با کمبود فضا مواجه نشود. در تقابل با بزرگی و امکانات گسترده‌ی کارخانه، خانه‌ی چارلی کوچکترین امکانات بی‌بهره است، حتی یک بخاری کوچک ندارد و آنقدر سرد است که اعضای خانواده در زمستان‌ها از فرط سرما تا حد مرگ می‌لرزند. چارلی در هنگام بازدید از کارخانه با واقعیت ترسناک و شگفتی‌های کارخانه روبه‌رو می‌شود که یکی از آن‌ها کارگری کوتوله‌ها است. آقای وانکا که تنها به اهداف اقتصادی‌اش می‌اندیشد، آدم کوتوله‌ها را به کارخانه آورده، از آن‌ها استفاده می‌کند و اهمیتی نمی‌دهد که در طی آزمایش‌هایش در کارخانه، چند آدم کوتوله از بین

بروند. او با خونسردی هرچه تمام‌تر از نابودشدن کوتوله‌ها در حین آزمایش‌هایش سخن می‌گوید. چارلی منزجر می‌شود و سرانجام تصمیم به فرار از کارخانه می‌گیرد. رولد دال با هوشمندی تمام شغل آقای وانکا را شکلات‌سازی انتخاب کرده است؛ زیرا ثروت در ابتدا شیرین است و لذت‌بخش مانند خوردن شکلات، ولی بعد از مدتی اثرات سوء و منفی خود را مانند پوسیدگی نشان می‌دهد. تقابل دیگری که در داستان خودنمایی می‌کند، تقابل میان درک و فهم بالای چارلی در برابر لوس‌بودن فرزندان خانواده‌های ثروتمندان است. چارلی با آگاهی از وضعیت اقتصادی نامناسب خانواده‌اش، با وجود اینکه به‌طرزی باورنکردنی عاشق شکلات است، با درکی ستودنی می‌پذیرد که تنها سالی یک بار، آن هم در روز تولدش تنها یک شکلات به‌عنوان هدیه دریافت کند. مهم‌تر آنکه حاضر نیست آن شکلات را به‌تنهایی بخورد و با بزرگ‌منشی، همان شکلات را با دیگر اعضای خانواده‌اش تقسیم می‌کند. اما در سوی مقابل، کودکان ثروتمند قرار دارند که به‌دلیل تربیت نادرست، شخصیتی لجباز و لوس دارند که هرچه می‌بینند، با لجبازی و اصرار می‌خواهند و والدین‌شان نیز به خواسته‌های نامعقول فرزندان‌شان گردن می‌نهند. شیوه‌ی برنده‌شدن چارلی و یافتن بلیط ورود به کارخانه نیز در تقابل مستقیم با شیوه‌ی برنده‌شدن دیگر بچه‌های داستان است. چارلی با پذیرش اینکه خانواده‌اش توان خرید شکلات‌های بیشتری ندارند، با این موضوع کنار می‌آید و سرانجام با خوش‌شانسی و از سر تصادف برنده‌ی بلیط ورود به کارخانه‌ی شکلات‌سازی می‌شود. در سوی مقابل، والدین دیگر بچه‌ها، صدها بسته شکلات می‌خرند اما سرانجام این چارلی است که برنده‌ی نهایی مسابقه می‌شود و صاحب کارخانه‌ی شکلات‌سازی می‌شود و دیگر بچه‌ها به سرنوشتی شوم و عبرت‌انگیز دچار می‌شوند. در واقع می‌توان گفت تقابل‌های میان فقر و ثروت و همچنین تقابل میان فهمیدگی چارلی و لوس‌بودن دیگر بچه‌ها که به نوعی زیربنای ساختار اثر محسوب می‌شود، زمینه‌ساز شکل‌گیری تقابل نهایی میان سرنوشت خوب و خوش چارلی در مقابل سرنوشت ناخوشایند ثروتمندان است.

جدول شماره‌ی ۴. تقابل‌های اقتصادی و فرهنگی

کودکان ثروتمند همسایه	چارلی فقیر
آزادی و استقلال آقای وانکا	کارگری و بندگی پدر چارلی
شکلات‌سازی که باعث تخریب دندان است.	خمیردندان‌سازی
فضای بسته‌ی و تاریک کارخانه	فضای روشن و باز خانه‌ی چارلی
ترسناکی کارخانه	آرامش خانه چارلی
آگاهی و ترس چارلی پس از مواجهه با دنیای ثروت	ناآگاهی چارلی نسبت به دنیای ثروت
اطاعت بی‌قید و شرط کارگران شکلات‌سازی	فرار چارلی از کارخانه
وسایل رفاه چون اتاق مجزا و تخت خواب برای ثروتمندان	نبودن وسایل آسایش چون تخت‌خواب برای چارلی
سیری و اضافه وزن ثروتمندان	گرسنگی چارلی و خانواده‌ی فقیرش
وانکا صاحب کارخانه‌ی شکلات‌سازی	آرزوی دست‌نیافتنی خوردن شکلات
نبودن محبت در فضای کارخانه‌ی شکلات‌سازی	سپری کردن زمان در کنار افراد سالخورده
عدم تناسب تصویر زندگی واقعی ثروتمندان با افسانه‌پردازی فقرا	افسانه‌پردازی راجع به ثروت بی‌حد و حصر ثروتمندان

با بررسی تقابل‌های دوگانه‌ی طبقه‌ی کارگر (چارلی) و کارخانه‌دار (آقای وانکا) به‌کاررفته در چارلی و کارخانه‌ی شکلات‌سازی می‌توان دریافت که تقابل‌های دوگانه‌ی شخصیت درصد بافت متن را شامل می‌شود. کارکرد اصلی استفاده از تقابل‌های دوگانه‌ی ذکر شده، نمایاندن دنیای آسوده‌ی کودک فقیر و هول و هراس دنیای سرمایه‌داران است. نویسنده با شرح جزئیات، زندگی طاقت‌فرسای چارلی و خانواده‌اش و نیز فهم و ادب وی را بازگو می‌کند و از سویی دیگر نیز رفاه و آسایش قشر ثروتمند و بچه‌های لوس و بی‌ادبشان را به تصویر می‌کشد. اما پایانی که مؤلف برای این داستان برگزیده است، مخاطب را با کارکرد دیگری از این تقابل‌ها روبه‌رو می‌کند. پایان خوش زندگی چارلی و عاقبت ناخوشایند بچه‌های متمول، به مخاطب که کودکان هستند، شیوه‌ی درست‌زیستن را می‌آموزد.

۵.۴. تقابل‌های دوگانه در آقای روباه شگفت‌انگیز

آقای روباه شگفت‌انگیز، داستان روباهی است که به‌همراه خانواده‌اش در همسایگی سه مزرعه‌دار زندگی می‌کند و برای سیرکردن شکم خانواده‌اش مرغ‌ها و غازهای آن‌ها را

شکار می‌کند. سه مزرعه‌دار دست‌به‌کار می‌شوند تا از شر آقای روباه خلاص شوند؛ اما روباه نیز بیکار نمی‌نشیند و تلافی می‌کند.

یکی از درون‌مایه‌هایی که دال برای داستان‌هایش انتخاب می‌کند، تلاش و کوشش برای زندگی و زنده‌ماندن است. او در داستان زیبا و مهیج آقای روباه شگفت‌انگیز این مسئله را به‌خوبی نشان می‌دهد. تلاش و کشمکش حیوان برای نجات جان خود از مهم‌ترین و محوری‌ترین حوادث داستان است. سه مزرعه‌دار تصمیم می‌گیرند لانه‌ی روباه را خراب کنند و او و خانواده‌اش را از بین ببرند. روباه در تلاشی خستگی‌ناپذیر موفق می‌شود از دست آن‌ها فرار کند. «آقای روباه با دیدن منظره‌ی وحشتناک، انگار برق گرفته باشدش، فریاد زد: فهمیدم دنبالم بیاید. آقای روباه مشغول کندن زمین شد. با دست‌هایش تندتند زمین را می‌کند و خاک را پشت سرش می‌ریخت. خانم روباه نیز با او همراه شد. بچه‌ها هم به آن‌ها کمک کردند. بعد از یک ساعت روباه از کندن دست کشید و گفت: آخیش به نظرم موفق شدیم» (دال، ۱۳۹۲: ۳۵-۳۶). سه مزرعه‌دار با کمک بیل مکانیکی و تراکتور شروع به کندن می‌کنند؛ روباه با شنیدن سروصدای وحشتناک ترسید. بچه‌ها هم ترسیدند؛ اما دست از مبارزه و تلاش برنداشتند. «آقای روباه گفت: تراکتور! بیل‌های مکانیکی! اگر جانتان را دوست دارید، بکنید. بکنید. مبارزه شروع شد. بیل‌های مکانیکی در مقابل روباه گاهی روباه‌ها زمین را می‌کنند و سروصدا کم می‌شد. روباه می‌گفت: داریم موفق می‌شویم؛ اما چند لحظه بعد دوباره صدا نزدیک می‌شد» (همان، ۴۴). روباه و خانواده‌اش درحالی‌که مرگ در یک قدمی آن‌ها بود و گرسنگی و تشنگی به آنان فشار می‌آورد، دست از تلاش برنداشتند. روباه فکری به نظرش می‌رسد، اما بچه‌ها و خانم روباه توان کندن ندارند. «بچه‌روباها از جا پریدند و فریاد زدند. چرا بابا ما می‌تونیم بکنیم» (همان، ۵۹). سرانجام روباه با کمک خانواده‌اش، توانست از مرگ نجات پیدا کند. تلاش و ازخودگذشتگی روباه برای نجات خانواده نیز ستودنی است. «دال از شخصیت‌های کلیشه‌ای چون روباه، به‌علت کثرت داستان‌ها و قصه‌هایی که حيله‌گری و زیرکی را به او نسبت داده‌اند، شخصیت داستانی خلق می‌کند که بسیار متفاوت و متمایز است. او تعبیر مرسوم از شخصیت روباه را تغییر می‌دهد و با

یک شخصیت‌پردازی قوی او را حیوانی مفید، خانواده‌دوست، شجاع و حق‌طلب می‌آفریند که باعث نجات و سعادت حیوانات می‌شود» (راد، ۱۳۸۸: ۴۳).

روباه شگفت‌انگیز قهرمان فقیر داستان است که در تقابل با همسایگانش آقای بوگیس، بونس و بین قرار دارد. دزدی روباه و احتیاج او به مال دیگران در مقابل بی‌نیازی همسایگان ثروتمند است. حیوان بودن روباه فقیر در مقابل انسان بودن همسایگان نیز از دیگر تقابل‌های این داستان است. رولد دال با انتخاب حیوان به جای فرد فقیر سعی در نشان‌دادن جایگاه اجتماعی فقرا در جامعه‌ی خود دارد. کنش همسایگان برای دستگیری روباه در مقابله با کنش آقای روباه است. هرچه همسایگان جست‌وجوی بیشتری می‌کنند، روباه نیز خلاقیت بیشتری برای دزدی به خرج می‌دهد. رولد دال در این اثر سعی کرده است با توصیف رویکرد منفعت‌طلب و تمامیت‌خواه ثروتمندان در برابر نگاه قناعت‌محور فقرا که روباه نمادی از آنان است، خودخواهی و رفتارهای ظالمانه‌ی ثروتمندان را به‌چالش کشیده و به‌طور غیرمستقیم نقد می‌شوند. ثروتمندانی که بدون توجه به موقعیت زندگی فقرا و وضعیت خانوادگی‌شان، تنها به افزودن ثروت خویش و حراست از آن می‌اندیشند و در این راستا از اعمال هیچ خشونت‌ی روی‌گردان نیستند. اما در مقابل، فقرا با وجود فقر و نداری‌شان، دلی دریایی دارند و دارایی ناچیزشان را با گشاده‌روی در اختیار دیگران نیز می‌گذارند.

جدول شماره‌ی ۵: تقابل‌های دوگانه‌ی فقرا (روباه) و ثروتمندان (انسان‌ها)

همسایگان ثروتمند	روباه فقیر
انسان بودن ثروتمند	حیوان بودن فقیر
اعمال زور و خشونت ثروتمند	دزدی کردن روباه
پلیدی و خودخواهی ثروتمند	خوب بودن روباه
سیری و چاقی ثروتمند	گرسنگی بیش از حد روباه
بداخلاقی ثروتمند	خوش‌اخلاقی روباه
خساست ثروتمند	دست‌ودلبازی و سخاوت روباه
نادانی ثروتمند	زیرکی روباه

با بررسی تقابل‌های دوگانه‌ی فقرا (روباه) و ثروتمندان (انسان‌ها) به‌کاررفته در آقای

روباه شگفت‌انگیز می‌توان اذعان کرد که تقابل‌های دوگانه چهل درصد بافت متن را

دربرمی‌گیرد. کارکرد اصلی استفاده از تقابل‌های دوگانه‌ی ذکرشده‌ی بالا، نشان‌دادن تلاش فقرا برای داشتن زندگی آسوده و بدون دغدغه و در مقابل رفتارهای خصومت‌آمیز افراد متمول است. این داستان نیز با سرانجامی خوش برای شخصیت ضعیف پایان می‌گیرد که برای مخاطب درس‌هایی را از ارزشمندی و کارسازی تلاش و اتحاد و اراده به همراه دارد.

۶.۴. تقابل‌های دوگانه در دنی؛ قهرمان جهان

دنی؛ قهرمان جهان، داستان پسر بچه‌ای است که در چهار ماهگی مادر خود را از دست داده است و به همراه پدرش در کاروان‌سرای کهنه و متروک زندگی می‌کند. آن‌ها در پمپ بنزینی که پشت خانه‌شان قرار دارد، کار می‌کنند. دنی پس از مدتی از راز شکارچی غیرقانونی بودن پدرش آگاه می‌شود و با پدرش برای دزدی همکاری می‌کند. آن‌ها از مزرعه‌ی همسایه‌ی ثروتمند و خودخواه‌شان که به پرورش قرقاول مشغول است، قرقاول می‌دزدند.

دنی و پدرش قهرمانان فقیر داستان هستند که در تقابل با همسایه‌های ثروتمندشان قرار می‌گیرند. دنی برای مبارزه با فقر در پمپ بنزین مشغول به کار می‌شود. او ابتدا از دزدی پدرش آگاه نیست و هنگامی که باخبر می‌شود، خود نیز به همکاری با پدر مشغول می‌شود. آقای هیزل، همسایه‌ی ثروتمند، به ثروت خود می‌بالد و مدام دنی و پدرش را تحقیر می‌کند. پزشک دهکده، کشیش و گروه‌بان برای گرفتن حق مردم فقیر از ثروتمندان با دنی و پدرش همکاری می‌کنند. اسارت فقرا و آزادی ثروتمندان نیز در تقابل با هم است. افراد ثروتمند آزادند درحالی‌که فقرایی همچون دنی و پدرش مجبور به کار اجباری و بندگی هستند. در این داستان فقرا اموال ثروتمندان را حق گمشده‌ی خود می‌دانند. در این اثر نیز همچون بسیاری از آثار دیگر دال، دغدغه‌ی تفاوت طبقاتی میان فقر و ثروت آشکارا مشهود است. در یک سوی این تقابل، ثروتمندانی قرار دارند که فقرا را تحقیر می‌کنند و از هیچ ظلم و ستمی دریغ نمی‌کنند و به‌خاطر برتری اقتصادی، حق هرگونه رفتار ظالمانه‌ای را برای خود قائل هستند و فقرا را نه انسان‌هایی

همچون خود، که ابزاری برای افزودن به ثروت خود می‌دانند. در این اثر دال نیز فقرا و به‌طور ویژه دنی، شخصیتی فهمیده، مؤدب و زحمتکش دارد و به همه محبت می‌کند؛ اما در سوی دیگر، شخصیت ثروتمند داستان، و ادبانه و گستاخانه رفتار می‌کند و از توهین به دیگران هیچ ابایی ندارد. دیگر نکته‌ی درخور توجه در این اثر، سرزندگی و نشاط شخصیت فقیر داستان در تقابل با بدخلقی و عبوس‌بودن شخصیت ثروتمند است. اگرچه دنی و پدرش بسیار فقیر هستند و در تهیه نیازهای اولیه زندگی‌شان نیز ناتوانند، همچون آقای هیزل که ثروتمند و بی‌نیاز است، عبوس و ترش‌رو نیستند. گویی در این اثر، ارتباطی مستقیم و انکارناشدنی میان ثروتمندی و بدخلقی برقرار است.

جدول شماره ۶: تقابل‌های دوگانه‌ی اقتصادی و فرهنگی

همسایه‌ی ثروتمند، آقای هیزل	دنی و پدر فقیرش
تفریح فرزندان ثروتمند	کارکردن دنی
آزادی ثروتمند	بندگی دنی و پدرش
لحن با خشونت و بی‌ادبی ثروتمند	لحن مؤدب دنی و پدرش
اعمال زور و خشونت برای پیدا کردن سارق	دزدیکردن دنی و پدرش
افتخار ثروتمند به اموالش	افتخار دنی به پدرش
داشتن ملک شخصی ثروتمندان	بی‌سرپناه و بی‌خانمان‌بودن دنی
داشتن هر نوع امکاناتی در زندگی اعم از امکانات بهداشتی و درمانی	نداشتن حداقل امکانات زندگی اعم از امکانات بهداشتی و رفاهی
عبوس و سخت‌گیربودن ثروتمندان	شاد و پرنشاط‌بودن فقرا
داشتن تحصیلات عالی برای ثروتمندان	نبود امکان ادامه‌ی تحصیل برای فقرا

با بررسی تقابل‌های دوگانه‌ی دنی فقیر و هیزل ثروتمند به‌کاررفته در دنی؛ قهرمان جهان درمی‌یابیم که تقابل‌های دوگانه ۷۰ درصد بافت متن را شامل می‌شود. کارکرد اصلی استفاده از تقابل‌های دوگانه‌ی ذکرشده، نمایاندن تلاش افراد فقیر برای احقاق حقوق سلب‌شده‌ی خود از سوی سرمایه‌داران و ثروتمندان است.

۵. نتیجه‌گیری

بررسی تقابل‌ها و تحلیل رابطه‌ی آن‌ها در داستان‌های مرادی کرمانی و رولد دال بیانگر آن است که پیامد مشترک فقر در ایران و جامعه‌ی انگلستان، کار اجباری کودکان و

روبه‌رو شدن آن‌ها با واقعیت‌های زندگی است. کودک در سنی که باید به فکر لذت بردن از کودکی و زندگی خود باشد، مجبور است با مشکلات اقتصادی، بیماری و گرسنگی دست‌وپنجه نرم کند. طبقه‌ی ثروتمند در آثار هر دو نویسنده همسایه یا همکلاسی فرد فقیر هستند و این دور نزدیک باعث ایجاد معضلات و مشکلات عدیده‌ای می‌گردد. کودک در مواجهه با دنیای قدرت ثروتمند دست به اعتراض می‌زند یا از مهلکه می‌گریزد. اعمال زور، خشونت و لحن توهین‌آمیز طبقه‌ی ثروتمند از دیگر ویژگی‌های مشترک آثار این دو نویسنده است. اسارت و بندگی طبقه‌ی فقیر نیز از خصوصیات مشترک این آثار است. تفاوت‌های آثار این دو نویسنده عبارتند از: ۱. تقدیرگرایی و خرافه‌پرستی بزرگسالان فقیر و واقع‌گرایی کودکان فقیر در داستان‌های مرادی کرمانی بیشتر به چشم می‌خورد درحالی‌که در داستان‌های رولد دال، بزرگسالان و کودکان فقیر هر دو واقع‌گرایانه فکر و عمل می‌کنند؛ ۲. در داستان‌های مرادی کرمانی فقرا قصد آزار رساندن به طبقه‌ی ثروتمند را ندارند، اما در داستان‌های دال، فقرا به عمد در پی آزار ثروتمندان هستند؛ ۳. راه نجات کودک فقیر داستان مرادی کرمانی درس خواندن است؛ اما راه نجات کودک فقیر داستان‌های دال دزدی است؛ ۴. فقیر در داستان‌های مرادی کرمانی طرفداری ندارد؛ اما در داستان دال پزشک، کشیش و... به کمک مردم فقیر می‌شتابند و با آن‌ها همکاری می‌کنند؛ ۵. مرادی کرمانی به ثروت و ثروتمندان بدبین نیست و قهرمانان او در تلاش برای رسیدن به ثروت هستند؛ اما رولد دال دید سیاهی به ثروت دارد و معتقد است که ثروت باید بین اقشار مختلف جامعه تقسیم شود؛ ۶. مرادی کرمانی تلاش فقیر برای تغییر شرایط را چندان کارساز نمی‌داند و یا دست‌کم آن را در داستان به تصویر نمی‌کشد؛ اما رولد دال با گزینش پایانی خوش برای شخصیت فقیر، مخاطب را امیدوارتر می‌کند و ۷. در داستان‌های رولد دال کودکان فقیر به فکر فرار از خانه نیستند؛ اما در داستان‌های مرادی کرمانی، کودکان فقیر هم تنها هستند و هم قصد رفتن از خانه را دارند (برای درس خواندن و برای فرار از موقعیت و برای رفتن به وضعیت بهتر مانند پناه‌بردن به خانواده‌ی ثروتمند). هر دو نویسنده با به‌کارگیری مؤثر

تقابل‌های دوگانه‌ی متعدد توانسته‌اند تمامی مصادیق گفته‌شده را در لابه‌لای داستان‌های‌شان بگنجانند و همین امر سبب قدرت تأثیر هرچه بیشتر قلمشان شده است. در داستان‌های رولد دال هیچ اشاره‌ای به خرافات وجود ندارد و حتی بزرگسالان فقیر نیز در چالش مبارزه با فقر هستند. اما در داستان‌های کرمانی مردم فقیر اسیر خرافات‌اند و برای همین بزرگسالان فقیر هیچ تلاشی برای مبارزه با وضعیت اسفناک خود ندارند. داده‌های فرهنگی دو جامعه‌ی ایران و انگلستان بدان منجر می‌شود که قهرمان کرمانی برای نجات خود به درس‌خواندن پردازد، اما قهرمان رولد دال حق خود را در اموال ثروتمندان ببیند و برای کسب آن دست به دزدی بزند. بزرگسالان داستان‌های کرمانی به‌خاطر اعتقاد به سرنوشت، فقر خود را پذیرفته‌اند؛ اما بزرگسالان داستان‌های دال به تقدیر اعتقادی ندارند و برای گرفتن حق خود تلاش می‌کنند. در ایران کودک خیلی زود در جریان واقعیت‌های زندگی قرار می‌گیرد؛ اما در انگلیس کودک آرام‌آرام با واقعیت‌های زندگی روبه‌رو می‌شود. نتایج متفاوت دیگری که از داستان‌های این دو نویسنده دریافت می‌شود، گزینش پایان‌های مختلف است. کرمانی بیشتر به گزارش و شرح واقعه می‌پردازد و با پایانی باز مخاطب را به اندیشیدن وامی‌دارد. اما رولد دال با پایان خوشی که برای شخصیت ضعیف داستان برمی‌گزیند، درسی ازپیش‌تعیین‌شده را به مخاطب القا می‌کند.

منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۷۰). *ساختار و تأویل متن*. تهران: مرکز.
- اخؤ، احمد. (۱۳۷۱). *دستور زبان داستان*. اصفهان: فردا.
- اسکولز، رابرت. (۱۳۸۳). *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*. ترجمه‌ی فرزانه طاهری، تهران: آگه.
- امامی، نصرالله. (۱۳۸۲). *ساخت‌شکنی در فرایند تحلیل ادبی*. اهواز: رسش.
- آقاپور، فرزانه. (۱۳۹۶). *تقابل در رمان نوجوان ایران (بررسی پنج رمان برگزیده)*. پایان‌نامه‌ی دکتری دانشگاه شیراز.

بابک‌معین، مرتضی. (۱۳۸۳)، «سیر زایش معنا». مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، تهران: فرهنگستان هنر.

برتنس، هانس. (۱۳۸۴). *مبانی نظریه‌ی ادبی*. ترجمه‌ی محمدرضا ابوالقاسمی، تهران: ماهی.
 پویان، مجید و الهام صفی‌جهانشاهی. (۱۳۹۲). «آسیب‌شناسی کودکان در آثار هوشنگ مرادی کرمانی». *همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*، دوره‌ی ۷، صص ۳۱۶-۳۲۷.
 جمادی، سیاوش. (۱۳۸۹). *زمینه و زمانه‌ی پدیدارشناسی*. تهران: ققنوس.
 حجوانی، مهدی. (۱۳۷۸). «سرانجام بچه‌ها خدا را بر می‌گرداند». *پژوهش‌نامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان*، سال ۵، پاییز، صص ۲-۱۳.

حیاتی، زهرا. (۱۳۸۸) «بررسی نشانه‌شناختی عناصر متقابل در تصویرپردازی اشعار مولانا». *نقد ادبی*، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۶، صص ۷-۲۴.
 خردخورد، فوزیه و همکاران. (۱۳۹۵)، «تحول نگاه به مفهوم کودکی در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی». *تفکر و کودک*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۷، شماره‌ی ۱، بهار و تابستان، صص ۲۵-۵۳.

دال، رولد. (۱۳۷۲). *چارلی و کارخانه‌ی شکلات‌سازی*. ترجمه‌ی مریم بینایی، تهران: ذاکر.
 _____ (۱۳۷۲). *دنی؛ قهرمان جهان*. ترجمه‌ی حبیب‌الله لزگی، تهران: ذاکر.
 _____ (۱۳۹۲). *آقای روباه شگفت‌انگیز*. ترجمه‌ی حبیب‌الله لزگی، تهران: ذاکر.
 راد، فریدون. (۱۳۸۸). «نقد و بررسی رمان روباه شگفت‌انگیز». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، شماره‌ی ۱۴۷، صص ۳۸-۴۴.

سلاجقه، پروین. (۱۳۸۰). *صدای خط خوردن مشق*. تهران: معین.
 شعیری، حمیدرضا و وفایی. (۱۳۸۸)، *راهی به نشانه‌معناشناسی سیال: با بررسی موردی ققنوس نیما*، تهران: علمی فرهنگی.

عبیدی‌نیا، محمدمیر و علی دلایی‌میلان. (۱۳۸۸). «بررسی تقابل‌های دوگانه در ساختار حدیقه‌ی سنایی». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، شماره‌ی ۱۳، صص ۲۵-۴۲.
 مرادی کرمانی، هوشنگ. (۱۳۹۶). *قصه‌های مجید*. تهران: محراب.
 _____ (۱۳۹۶). *بچه‌های قالبیاف‌خانه*. تهران: محراب.

_____ (۱۳۹۴). شما که غریبه نیستید. تهران: محراب.

معین‌درباری، مریم و همکاران. (۱۳۹۵). «کاربرد صافی فرهنگی در ترجمه‌ی اصطلاحات: موردپژوهی ترجمه‌ی انگلیسی بچه‌های قالیباف‌خانه‌ی مرادی کرمانی».

مطالعات زبان و ترجمه، شماره‌ی ۳، پاییز، صص ۲۹-۵۸.

هارلند، ریچارد. (۱۳۸۶). دیباچه‌ای تاریخی بر نظریه‌ی ادبی از افلاطون تا بارت.

ترجمه‌ی بهزاد برکت، گیلان: دانشگاه گیلان.

Cuddon, J.A. (1999). *A Dictionary of Literary Terms*. Fourth Edition. London: Penguin Books.